



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

ردیہ ای بر تفسیر و تاویل  
بہائیان از مشروطیت

محمد حسن رجبی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ردیهای بر تفسیر و تأویل بهائیان از مشروطیت

نویسنده:

محمد حسن رجبی

ناشر چاپی:

فصلنامه مطالعات تاریخی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ردیهای بر تفسیر و تأویل بهایان از مشروطیت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	دسایس مستبدین
۱۰	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## ردیهای بر تفسیر و تأویل بهایان از مشروطیت

### مشخصات کتاب

مقدمه و تعلیقات:

فصلنامه مطالعات تاریخی / ویژه نامه بهائیت / سال ۴ / شماره ۱۷ / ۱۳۸۶

بر گرفته از:

### مقدمه

تاریخ بابت و بهائیت، آکنده از دروغ‌پردازی، تحریف و اتهامات ناروا به اسلام و مسلمانان است. در تعالیم و متون اصلی بهائیت، سلطنت «موهبت رب عزت است» که به شهریان کامل و پادشاهان عادل که باید «عدل مجسم و عقل مشخص و فضل مجرد باشند» عطا شده است [۱]. بهایان، شیعیان را متهم می‌کنند که چون در قرون اخیر، آنان «اطاعت پادشاهان را واجب ندانستند و دولت را دولت جائزه شمردند و اکابر ملک [۲] را «ظلمه» نامیدند، ارکان مملکت متضضع [۳] شد و قوت دولت روی به ضعف نهاد و ثروت رعیت کم و فقر و پریشانی اهالی قوت گرفت...» [۴] در بی‌پایگی این سخن همین قدر باید گفت که: ۱. آیا روابط و مناسبات ظالمانه میان دولت و ملت در ادوار گذشته، به ویژه دوره قاجار که مردم، «رعیت» و «برده» حکومت محسوب شده، کمترین حقوقی نداشتند و به اندک بهانه‌ای از سرهای ایشان مناره می‌ساختند و یا نابینایشان می‌کردند و مالیت‌های سنگین از رعایا و پیشه‌وران می‌گرفتند و آنها را یا به روز سیاه می‌نشانند و یا مجبور به ترک موطن و سرزمین خود و اشتغال به کارگری و فعلگی در کشورهای هم‌جوار می‌کردند و...، از طرفی ایجاد حرمسراها و اسباب خوش‌گذرانی شاه و شاهزادگان و اختصاص حقوق‌های گزاف به آن وجودهای عاطل و بی‌ثمر و صدها نمونه دیگر، نشانه عادلانه بودن حکومت است یا ظالمانه بودن آن، و آیا از علما - همان رهبر مذهبی مردم - باید انتظار داشت که چشم بر آن امور و مناسبات غیر انسانی و غیر اسلامی فرو بندند و بر آنها صحه بگذارند؟ ۲. آیا ضعف دولت و فقر ملت، در نتیجه‌ی امور فوق و نیز گشودن دست قدرت‌های استعمارگر [صفحه ۲۹۴] خارجی در سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور نیست؟ قراردادهای ننگین گلستان، ترکمنچای، رویترا، تنباکو، داریسی و... که به قیمت از دست رفتن بخش‌هایی از کشور و نابودی استقلال سیاسی و اقتصادی کشور انجامید، آیا در نتیجه غفلت، بی‌عملی و دست‌نشانده‌گی شاهان و دربار فاسد قاجار نبود؟ آیا مخالفت آلمانی چون «حاج ملا علی کنی» با قرار داد رویترا و نیز «میرزا حسن شیرازی» با قرار داد تنباکو، موجب نجات کشور از اسارت بیشتر سیاسی - اقتصادی نگردید؟ بهایان در جریان جنبش مشروطه با اعلام بی‌طرفی و عدم ورود به منازعات سیاسی و تلاش برای حفظ وضع موجود کشور، به مقابله و مخالفت با آن و تبلیغ به سود استبداد قاجار پرداختند؛ چنان که عبدالبهاء در یکی از «الواح» خود که در زمان استبداد صغیر صادر شد، محمد علی شاه را «سلطان عادل» دانسته، ضمن دعوت بهایان به اطاعت، مشروطه‌طلبان را «نوهوسان» نامیده است. [۵] با چنین سابقه و کارنامه‌ای، بهایان، متناسب با شرایط و اوضاع سیاسی کشور، درصدد موج سواری بر آمدند و با دروغ‌پردازی و جعل اسناد، کوشیده‌اند تا خود را همگام با جنبش مشروطه نشان داده، نقش مؤثر و انکارناپذیر خویش را در پیروزی و استمرار آن بنمایانند. آنچه که بر دعوی آنان، به ظاهر صحه می‌گذارد، اتهامات مخالفان مشروطه بود که مشروطه خواهان را با عناوین و انگه‌های گوناگون از جمله «دهری»، «طبیعی»، «اباحی» و «مزدکی مذهب» و نیز «بابی»، «ازلی» و «بهایی» متهم می‌کردند. وجه مشترک این انتساب و اتهامات، «لیبرالیسم» و «سکولاریسم» موجود در میان مشروطه‌خواهان غیرمذهبی بود؛ اگر چه در میان برخی از چهره‌ها و فعالان مشروطه نیز عناصری بهایی و یا ازلی دیده می‌شدند. [۶] به هر روی این عوامل سبب گردید تا بهایان به تاریخ سازی برای خود پرداخته، رویدادهای سیاسی معاصر، از

جمله جنبش مشروطه را به گونه‌ای تبیین و تفسیر کنند که گویی نقش مؤثر پنهان و آشکاری در هدایت فکری و عملی آن داشته‌اند. مقالات دانشنامه ایرانیکا، از همین منظر و به قلم برخی چهره‌های برجسته بهایی به نگارش در آمده که بعضی از آنها به فارسی نیز ترجمه شده است [۷]. مقاله حاضر، نوشته‌ای است که از مؤلفی ناشناخته که بیش از یک صد سال پیش در روزنامه جهاد اکبر (سال اول، شماره ۱۹ و ۲۱، مورخ ۲ جمادی الثانی و ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۵ ق) اصفهان و زیر نظر حاج آقا نورالله اصفهانی، چاپ و منتشر شده است. نویسنده در دو شماره این روزنامه کوشیده تا به نوشته‌هایی (الواح) که به نام بهاییان در آن ایام (مشروطه اول) منتشر می‌شد پاسخ گوید و تفاوت تفسیر و برداشت بهاییان از مشروطه و آنچه را که مورد نظر علما و مردم بوده - که آن را مبتنی بر احکام مسلم شرعی می‌دانستند - بیان دارد. او در اصالت این نوشته‌ها تردید دارد و آن را محتملاً منسوب به مخالفان مشروطه می‌داند که بدین وسیله می‌کوشند تا مخالفان مشروطه‌خواه را غیر مسلمان قلمداد نمایند و از چشم و منظر مردم بیندازند و مشروطیت را فاقد مشروعیت بدانند. نویسنده با فرض آنکه این نوشته‌ها متعلق به بهاییان است، [صفحه ۲۹۵] می‌کوشد تا وجوه اشتراک میان بهائیت و تلقی لیبرالیستی و سکولاریستی آنها را از مشروطه را تبیین کرده، دلایل حمایت ایشان از مشروطه مورد نظرشان را بیان کند.

### دسایس مستبدین

نوشتجات موسوم به «الواح» از طرف رؤسای سلسله ظالمانه‌ی ظلمانی‌ی باییه [را] به نام بعضی وطن‌پرستان و خیرخواهان ملت ترتیب داده‌اند که وانمود کنند به مردم العیاذ بالله این اساس مشروع [۸] موافق میل این طایفه است و حال آنکه مراتب دیانت و اسلامیت آن اشخاص [۹] بر تمام افراد ملت و آحاد رعیت آشکارا و هویداست و آن الواح هرگاه از قلم خود رؤسای باییه نگاشته شده در این صورت اذیت و فساد این طایفه، نیکو معلوم گردد که اینان که همیشه داد «محبت نوع» و فریاد «وطن دوستی» می‌زدند، تمام دروغ و خدعه بوده زیرا در این موقع که ملت ایرانیه از روی حمیت [۱۰] اسلامیت و هواداری شریعت، در مقام نشر تمدن و عدالت بر آمده‌اند باز این مفسدین شیاد و بی‌خبران از عالم عدل و داد و این مسوخت [۱۱] که از عالم انسانیت، جلدی [۱۲] رفیق بیشتر ندارد، سبب اشتباه‌کاری و بدنامی بر می‌آیند. یکی از امراض مزمنه‌ی مسریه کثیفه که در مملکت ما پیدا شده، این طایفه‌اند که [از] شصت سال قبل تاکنون از یک طرف جوهر دیانت و فطرت اصلیه‌ی اسلامیت را از رسوخ و نفوذ باز می‌دارند و یک یک مردم عوام را در خفایا و زوایا به دست آورده به القای شبهات و سخنان سفسطه‌آمیز - یعنی مطالب غیرواقعی که به صورت واقع جلوه می‌دهند - عقاید را فاسد و بازار اخوت اسلامی را کاسد می‌نمایند. به این افتراق کلمه و اختلاف عقیده، هیئت اجتماعی ملت اسلامی را به تفرقه و اختلاف و راه جهل و اعتساف [۱۳] می‌کشانند و با اینکه در عنوان دعوت، محبت نوعیه و ترقی را پیشنهاد می‌کنند، بعد از آنکه شخصی را به حوزه‌ی خود وارد کردند، چنان دشمنی مسلمانان را نشان می‌دهند که خون و مال مسلمین را مباح و شربت صباح خویش به حساب می‌آورند. فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله [۱۴]. وای این بر ناکسان و اف بر این خودسران که شهوت‌رانی و هواپرستی و عقاید طبیعی مآبی [۱۵] را لباس دیانت می‌پوشانند. هر که کتاب‌ها و نوشتجات اولین و آخرین آنها را مشاهده کند، می‌بیند که اساس خیالات و پایه‌ی عقایدشان این است که از عبودیت خالق متعال و تحمل تکالیف و سلوک مسلک انسانیت و کار بستن مناسک دیانت، رهایی یافتن می‌طلبند و این مطلب را «آزادی» می‌نامند و «حریت» می‌خوانند و حال آنکه چنین لابلالی‌گری و شانه خالی کردن از تکالیف، و نفی و انکار روحانیت و معجزات و سایر امور که مافوق حس است، مذهب طبیعی و اباحیه و مزدکیه [۱۶] است که هر وقت در عالم به لباسی بیرون آمدند و محرمات شرعی و قانونیه [صفحه ۲۹۶] را تحلیل کردند و معنی مساوات را تسویه [۱۷] اموال و ازواج و غیره تصور کرده قدری جولان داشتند و پس از آنکه حقایق عقایدشان بر مردم روشن می‌شد به حکم طبابت ملکی و حفظ نوامیس الهی آنها را نابود کردند و از صفحه‌ی

روزگار برانداختند؛ چنان که از تاریخ مزدک به دست می‌آید. و شک نیست که این طایفه، شعبه‌ای از همان مذهب طبیعی و اباحی است و بنده‌ی نگارنده، ملترزم است که از عبارات رؤسای خود این طایفه ثابت می‌کند که مبدأ و معاد - که دو قائمیه اصلیه دیانت می‌باشد - منکرند و ثمره بعث رسل [۱۸] و انزال کتب را نظم عالم و سیاست و بنی آدم می‌دانند و چون خودشان از عوالم ملکوت و قوای روحانیه و ارواح مجرده بی‌خبرند، تمام مراتب اعجاز و قدرت و باطنیت انبیاء و اولیا را انکار می‌کنند و می‌گویند که العیاذ بالله انبیا مثل ما مردمان رسمی بودند و می‌خواستند نامی [در دنیا] بگذارند و نظمی در عالم قرار دهند و این انکار از کمال عجز و فقر و بی‌مایگی آنهاست که چون می‌خواهند بگویند که ما هم در رتبه‌ی انبیا و اولیا هستیم و ندارند، آن نشانی‌ها و آیاتی که از سفرای الهی ظاهر می‌شد. لابد می‌گویند آنها هم مثل ما فقیر و عاجز بودند و حال آنکه هر کس اندکی در عالم دیانت و مراقبت [۱۹] در عبادات الهیه سیر کرده باشد و یا اقلاً با مسلمانان متدینین معاشرت کامل کرده باشد می‌داند که علاوه بر صدق معجزات انبیاء و خوارق عادات در افراد مسلمین و اشخاص متقین در دین اسلام، کسانی هستند که الآن هم آثار روحانیت و قوای جبروتی و علامات صفای نفس و نشانی‌های ارتباط و قرب به عوالم قدس در آنها ظاهر و هویداست و چون غالب، استبعاد [۲۰] می‌کنند، ادعا نمی‌کنم که امروز می‌توانم در میانه‌ی مسلمین اشخاصی پیدا کنم که خارق عادت کنند و صدق رؤسای ملی خود را بنمایم. محتاج به این معارضات نیست، همین قدر به اقرار خودشان از اتیان [۲۱] معجزات و خوارق، عاجزند و از این سبب از انبیاء حقه هم سلب می‌کنند و افسانه می‌پندارند. این مردمان عاجز و بوزینه صفتان احمق ادعای الوهیت و دعوی مهمینیت [۲۲] هم می‌کنند و «انا انا» [۲۳] ی بسیار می‌زنند. در مقام ادعا می‌گویند که حقیقت، ظاهر و شرق و غرب را می‌گیرد و در مقام عمل میرزا حسینعلی بهاء [الله] [۲۴] به حضور شاه شهید [۲۵] انار الله برهانه، عریضه‌ی تظلم‌آمیز عرض می‌کند و چه قدرها التماس و درخواست می‌کند که ما را مثل یهود بگذارند در مملکت خود متوطن باشیم و در مذهب آزاد. کسی که دعوی ظهور کلیه می‌کند و شرق و غرب را محل سطوح نور خود می‌داند، درخواست یک آزادی - که قابل ملت دو هزار سال قبل است - می‌کند. اگر شما می‌خواهید که عدالت و مساوات در تمام زمین جاری کنید و چنان ثبات و استقامت دارید، این عجز و الحاح [۲۶] چرا فقط به جهت ریختن خون حمقا [۲۷] و تلف نفوس مستضعفه، الواح نمی‌نویسید و مردم بیچاره را معرض تیر بلا می‌نمایید و خودش در مملکت عثمانی تقیه می‌کند و [صفحه ۲۹۷] اظهار صلاح می‌نماید؟ نمی‌گویم تقیه خوب نیست ولیکن تقیه برای تابعین و امت است. کسی که می‌گوید من ظهور حقم و باید ظهور خود را به عالم تبلیغ کنم و در مقام نشر عقاید و اتمام حجت است، تقیه نمی‌کند و استوار بدون اینکه خود را منکر شود می‌ایستد. و میرزا حسینعلی و عباس افندی [۲۸] [که] هر دو ادعای ظهور می‌کنند، هیچ کدام زیر بار تبعیت و رعیت بودن نیستند که تقیه کنند. حجت خدا در وقت ظهور اگر تقیه کند چگونه تبلیغ می‌کند و خود را بر عالمیان ظاهر می‌دارد؟ در سوراخ و جای مخفی خود را محفوظ نمی‌دارد و مردم را در معرض خطر اندازد و بالجمله خدعه و فریب و دروغ‌گویی آنها بسیار آشکار است. شرح اینکه مطلقاً مبنای پیشرفت سخن اینها و جلوه‌ی چند روزی، فقط دروغ و ناراستی است. اینکه مدت‌ها بود که به مردم قلمداد می‌نمود که در ینگه دنیا [۲۹] تبلیغ کرده‌ایم و یک مملکت آنجا را به دین خود آورده‌ایم و عکس‌ها نشان می‌دادند و سخن‌ها در مباهات می‌رانند و چون مطلب افشا شد و تحقیق به عمل آمد، معلوم شد که از اهالی ینگه دنیا یک نفر هم قبول دیانت آنها را نکرده و به این لوث [۳۰] ملوث نشده‌اند و شخص مبلغی که در آنجا داشته‌اند گاهی عکسی از اجتماعات آنجا بر می‌داشته و به ایران فرستاده می‌گفتند که این عکس «احباب» [۳۱] است و نیز مستر شولیر نامی از کشیشان ینگه دنیا در رشت مشغول تبلیغ دین پرستان بوده. روزی با بعضی از این شیادان ملاقات می‌کند و قدری صحبت کرده می‌گذرد. روزی چند بعد، مستر شولیر با چند نفر دیگر از این متقلبان ملاقات می‌نماید. آنها می‌گویند در این شهر خیلی از فرنگیان هم قبول این دین ما را کرده‌اند از جمله مستر شولیر نامی است که به این آیین متدین شده است. مستر شولیر تعجب می‌کند که من خودم شولیر هستم و به کل به این دین رغبت نکرده‌ام. پس مهر خود را که تازه به فارسی ساخته بود و در انگشت داشت به کاغذی زده به دست آن دروغ‌پردازان می‌دهد



و می‌گوید من مستر شولیر هستم و مسیحی متعصب هستم. باز [بهاییان] حیا نمی‌کنند و هیچ‌گاه از دروغ دست نمی‌کشند زیرا که مایه‌ی دیگر ندارند. همه شنیده‌اید که اینان مردمان بزرگ و علمای نامی را به خود نسبت می‌دهند و صریحا می‌گویند از ماست و حال آنکه کذب محض و فریب صرف بودن آن بر هر مستضعفی مخفی نیست. غرض اینکه حالت رذالت و مفسدی و اذیت این سلسله نسبت به ملت اسلامیة نیکو واضح است. مثلا در این دور زمان که تمام ملل اجنبیه از اسلام چون یهود و نصاری و زردشتیان با این مشروع مقدس [۳۲] همراهی می‌کنند، این مردمان از انسانیت دور و از بشریت مهجور در مقام افساد و فتنه و اشتباه کاری بر می‌آیند. بر همه‌ی افراد ملت واضح است که این امناء خیرخواهان وطن که عباس افندی یا غیره خطاب به او لوحی گفته و از خود به حساب آورده تا آن وطن دوست را در چشم ملت بدنام کند و در [صفحه ۲۹۸] اساس مشروطیت رخنه می‌کند، آن وطن پرست ده درجه نسبت به عباس افندی فاصله دارد و به صد واسطه عباس افندی نمی‌تواند مدارج [۳۳] ایشان را ادراک کند. اجمالا این دلیل معروف که این طایفه دارند و اشتها می‌نمایند عرضه داشته جواب سهل المؤمنة [۳۴] به عرض می‌رسانم. می‌گویند دلیل بر صدق سفرای الهی و ظهورات غیبی فقط آیات و نوشتجاتی است که به وحی نازل می‌شود که سایر مردم از آوردن مثل آن عاجز باشند. اینکه از همه کسانی که اندک از عالم نگارش اطلاعی دارند می‌پرسم که آیا می‌توان جدا گفت که امروز عباس افندی یا صبح ازل [۳۵] از همه منشیان و محرران عالم بهتر چیز می‌نویسند و مردم از اینان مثل او عاجزند؟ حاجی محمد کریم [خان] [۳۶] گفته است: «جانم، عبارات غلط از آدم بی‌سواد معجز نیست، حل اوست که غلط بگوید.» و نگارنده تاکنون اشخاصی را به رأی‌العین مشاهده کرده‌ام که در کمال سرعت، این گونه نگارشات و آیات که اینان می‌آورند و نوشته و به مراتب از نوشتجات میرزا حسینعلی و عباس افندی، اعلی [۳۷] بوده و مطلب هم داشته و نوشتجات این مدعیان هیچ مغز و مطلب ندارد، فقط عبارات مکرره و سخنان محدوده است که متصل می‌گوید: کجایید؟ بیاید ایمان آورید، شمس حقیقت طالع و آفتاب عالمتاب ساطع [را] بشتابید بشناسید. از این قبیل کلمات و سلوک سالک انسانیت و عروج معارج بشریت به چه قواعد و مناسک متمسک شویم؟ حقیقتا در تمام این کرورها عبارات که به این رؤسا نسبت می‌دهند دو جمله که یک معنای صحیح فایده بدهد ندارد و در این مقام که سخن به طول انجامید هرگاه کسی بگوید که الواح معروفه به نام بعضی خیرخواهان، جعلی بوده و از قلم رؤسای این طایفه نیست عرض می‌کنم که علاوه بر اینکه ابطال همان نادانی‌ها به نفسه مطلبی لازم است در این ایام عباراتی در السنه‌ی آنها دایر است که فساد آن عبارات، کمتر از آن الواح مجعوله نیست [۳۸]. و از جمله‌ی استدلال آنها این است که نفوذ کلمه در پیشرفت امر دلالت می‌کند که صاحب کلمه و امر، حق است. علاوه بر اینکه امرشان پیش نرفته و نفوذی نکرده، این دلیل، کلیل [۳۹] است و از برای حجت، کافی نیست. و اگر بنا باشد که فقط مطالب حقه و امور الهیه نفوذ کند و باطل و اکاذیب جلوه نداشته باشند باید آنچه در روی زمین از ادیان و قوانین و سیاسات جاریه و رسوم متداوله - اعم از اینکه واقعیت داشته باشد یا باطل و بی‌اصل باشد - اقرار کنیم که حق است و بت پرستی و شرک و رسوم جاهلیت تمام صحیح بوده باشد و التزام به این مطلب خلاف عقل و ضرورت تمام دنیا می‌باشد. هر که بگوید جمله حق است ز احمقی است. و در عباراتی از تبلیغ اینان دیدم این شعر را استشهاد کرده: چون انا الحق گفت و شیخ از پیش برد پس گلوی جمله مردان را فشرده [۴۰]. [صفحه ۲۹۹] و حال آنکه مضمون این بیت در مقام استدلال نیست بلکه قضیه اتفاقیه است و ملاحظه می‌شود که غالبا مطلب حقه و امور واقعیه در نفوذ و نشر به تأخیر می‌افتد و پس از بسیاری مصادمات و مقاومات با جنود [۴۱] و ظلمت انتشار می‌یابد. از این رو که پرورش یافتگان در عالم جسمانی و طبیعت، لیاقت حق صرف و قابلیت واقع محض را ندارند و همیشه مأمورین حق و مبعوثین عالم امر، دچار زحمات و گرفتار تصادم اشقیاء [۴۲] و منکرین می‌گردند و مطالب ناحق و القائنات شهوت‌آمیز به زودی مقبول عامه می‌شود، از این جهت که با خیال پست شهوت پرستان و عادات رذیله‌ی هواخان موافقت دارد. و عمده‌ی جلوه‌ی دو، سه روزه‌ی این طایفه به همین سبب بود؛ مثلا شخص تنبل شهوتران که بدو می‌گفتند تو را تکلیفی جز قبول امر نیست و او را از تمام تکالیف دیانت و عهدهای سلوک راه حق معاف می‌دارند، آن

هوای پرست می‌بیند که با وجود موافقت با هوا، متدین به حساب می‌آید و متقی شمرده می‌شود، به رفاه قبول می‌کرد. شخصی از این مستضعفین که گوساله پرست شده اولوهیت میرزا حسینعلی را پذیرفته بود [و] مباحثات می‌کرد که پس از پنجاه سال طغیان و عصیان که هنوز مداوم هستم درباره‌ی من لوحی آمده که تو مقرب درگاه هستی. گفتم: آیا کسی که حق است چالپوسی و تملق می‌کند و با هوای اشخاص موافقت می‌نماید؟ بلکه باید منع کند و امر به توبه و بازگشت فرماید زیرا که مبعوث من عندالله به رفع هواها و ترک خودخواهی مأمور است و این صفت مداهنه [۴۳] که با هر کس موافق هوای او چیزی گوید، رفتار ندیمان و مردمانی است که برای تحصیل نان و آش، خود را در معرض سخریه‌ی [۴۴] ارباب دنیا قرار می‌دهند که هر گاه رب مال و صاحب منالی بگوید من عادتم این است که شب‌ها به فلان مقدار مسکر [۴۵] اکتفا می‌کنم، آن چالپوس مداهن می‌گوید: بلی بلی، این بسیار عادت خوبی است و فایده‌مند می‌باشد. ولی انسان درست‌غیور به کمال جرئت و جد می‌فرماید: از این عادت پرهیز باید و به هیچ وجه به تملق لب نمی‌گشاید. غرض اینکه این پیشرفت که به گمان خود ادعا می‌کنند از این است که چون مطالبشان با هوای مردم عیاش موافق است به سهولت می‌پذیرند و عاقبت هم آن باورکنندگان هر گاه توفیق تدین و فطرت اصلیه داشته باشند به اسلام بر می‌گردند و هر گاه ظلمانیّت، قلب آنها را تاریک کرده باشد طبیعی و بی‌دین می‌شوند، زیرا که حقایق دینیّه - که: اسباب ثبات در دین است - ندارند. دلیل دیگر که اقامه می‌کنند این است که اشخاصی در این راه جان دادند و از خانمان گذشتند. جواب این سخن را شیخ الاسلام قفقاز خوب نوشته که فدا کردن جان، دلیلی نیست زیرا که بسیاری از حمقا و مستضعفین در روی زمین جان خود را فدای بت می‌کنند و جوانان و اولاد خویش را در راه بت بزرگ تقدیم می‌نمایند و مکرر در خطا و غیره، اشخاصی خود را زیر عراده‌ی که بت بر آن است انداخته، جان می‌بازند و بدین سبب خود را مستحق بهشت می‌شمارند و از امثال این بسیار [صفحه ۳۰۰] است که راه‌های باطل و امور بی‌حاصل جانبازی شده و هزاران خون ریخته گشته و استدلال به اینکه اشخاصی جان دادند، کافی نیست، زیرا لازم می‌آید بت پرستی و اباطیل دیگر صحیح باشد. بلکه بسی اوقات مردمانی در راه هواپرستی و عشق بازی و غیره جان نثار می‌کنند و هیچ دلالت بر حقیقت ندارد. و این سخن شیخ الاسلام بسیار صحیح است و هیچ جواب ندارد. میرزا ابوالفضل گلپایگانی [۴۶] دست و پای زیادی کرده و یک ثلث کتاب خود را در این مقام این جواب بر آمده و نتوانسته بر این کلام متقن خدشه کند. به هر جهت سخنان این طایفه فقط عوام فریب و سفسطه است و چون مطالبشان مبنی بر توحید و خداشناسی و روحانیت نیست، اخلاق و ملکات ردیه دارند و اینها [۴۷] ی مسلمین را امری لازم می‌شمارند. در ایامی که در راه رشت این طایفه مباشر راه بودند، هر که از راه رشت عبور کرد، دانست که اینان با مسلمانان چه تعدیات و ظلم‌ها کردند. شنیدم هر گاه کسی در منزلی نماز می‌کرد و می‌فهمیدند، از این نمازگزار به جهت منزل و نرخ اجناس، پول گزاف می‌گرفتند و هر قسم اذیت که می‌توانستند مضایقه نمی‌کردند. در سخافت عقیده و سوء اخلاق اینان سخن بسیار داریم. در این مقام به همین اندازه اکتفا رفت و غرض این بود که در این موقع که ملت ایرانیه هر طبقه در وطن پرستی و تمدن به نحوی مستظهر [۴۸] گشتند، این خائنان ملی و دشمنان وطنی وقاحت و شناعت اعمال خود را اظهار داشتند و سخنان فسادانگیز و مطالب خطرآمیز منتشر کردند. اولئک کالانعام بل هم اضل [۴۹].

## پاورقی

[۱] افندی، عباس (عبدالبهاء)، رساله سیاسیه، ص ۱۱.

[۲] اکابر ملک: بزرگان کشور.

[۳] تباہ گردیده.

[۴] گلپایگانی، ابوالفضل مجموعه رسایل، صص ۶۰-۶۲.

[۵] به نقل از کتاب کشف الحیل و مقدمه رساله سیاسیه.

- [۶] به عنوان نمونه می‌توان از حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، مؤلف حیات یحیی نام برد.
- [۷] از جمله ترجمه مقاله مفصل «انقلاب مشروطیت ایران» از آن دانشنامه است که به صورت کتابی مستقل توسط انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۸۴ چاپ و منتشر شده است.
- [۸] منظور، نظام مشروطیت است.
- [۹] منظور، رهبران و اشخاص مؤثر و سرشناس مشروطه‌خواه است. ]
- [۱۰] مردانگی، غیرت.
- [۱۱] جایز کنندگان.
- [۱۲] جلد: چالاک، در اینجا به معنای تعداد محدود و اندک است.
- [۱۳] بیراه رفتن.
- [۱۴] می‌گویند که از جانب خدا نازل شده. در اصل:... و یقولون هو من عندالله و ما هو من عندالله.
- [۱۵] طبیعی مآب یا طبیعی مذهب: کسی که بر این باور باشد حوادث جهان منسوب به طبیعت بوده و نیرویی مافوق طبیعت نیست.
- [۱۶] طبیعی، اباحیه و مزدکیه، از اصطلاحات کلامی قدیم در معرفی مادی‌گرایان.
- [۱۷] مساوی کردن.
- [۱۸] بعث رسل: برانگیختن پیامبران.
- [۱۹] توجه به خداوند و دوری نفس از زشتی‌ها، در اصل: مراغبت.
- [۲۰] دوری گزیدن.
- [۲۱] آوردن.
- [۲۲] ایمن کنندگی از ترس.
- [۲۳] انا انا: من من، منیت.
- [۲۴] بنیانگذار مسلک بهایی.
- [۲۵] منظور ناصرالدین شاه قاجار است.
- [۲۶] اصرار کردن.
- [۲۷] جمع احمق.
- [۲۸] از رهبران بهایی و جانشین میرزا حسینعلی بهاء الله.
- [۲۹] ینگه دنیا: قاره آمریکا. در اصل: ینگ دنیا.
- [۳۰] آلودگی.
- [۳۱] جمع حبیب: دوستان، یاران.
- [۳۲] منظور نظام مشروطه است.
- [۳۳] در اصل: مدارک.
- [۳۴] سهل المؤمنه: کم هزینه.
- [۳۵] منظور میرزا یحیی صبح ازل، رهبر فرقه ازلی، از شعب باییت - است.
- [۳۶] رهبر فرقه‌ی شیخیه.
- [۳۷] برتر.

[۳۸] جهاد اکبر، س ۱، شماره ۱۹، مورخ ۲ جمادی الثانی، ۱۳۲۵ ق، صص ۲-۵.

[۳۹] سست.

[۴۰] اصل شعر چنین است: چون انا الحق گفت شیخ و پیش برد پس گلوی جمله کوران را فشرده (مثنوی نیکلسون، ج ۶، ص ۳۹۲).

[۴۱] جمع جند: سپاه‌ها.

[۴۲] جمع شقی: بدبخت‌ها.

[۴۳] دورویی.

[۴۴] مسخره.

[۴۵] شراب مستی آور.

[۴۶] از نویسندگان و مبلغان بهایی.

[۴۷] ایذا: آزار.

[۴۸] پشت گرم.

[۴۹] انعام، ۱۷۹: اینان همانند چارپایانند، حتی گمراه‌تر از آنهایند.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

